



## بنیاد فیریه فواجه نصیر طوسی

### قانون تشکیل دادگاههای کیفری ۱ و ۲ و شعب دیوان عالی کشور

مصوب ۱۳۶۸/۳/۳۱

#### فصل اول - مناکم کیفری

#### مبحث اول - در تشکیل دادگاهها و صلاحیت آنها

ماده ۱ - دادگاههای کیفری به ترتیب مقرر در این قانون تشکیل و به جرایمی که مطابق قوانین دارای مجازات زیر بوده و در صلاحیت دادگاههای دیگری نباشند رسیدگی و حکم مقتضی صادر می نمایند:

۱ - حدود

۲ - قصاص

۳ - دیات

۴ - تعزیرات

۵ - مجازاتهای بازدارنده

ماده ۲ - دادگاههای کیفری به دادگاههای کیفری ۱ و دادگاههای کیفری ۲ تقسیم می شوند. در معیت دادگاههای کیفری ۱ و ۲ دادسرای عمومی انجام وظیفه می نماید.

ماده ۳ - دادگاههای کیفری ۱ و ۲ تشکیل می شود از یک نفر رییس یا عضو علی البدل.

ماده ۴ - هرگاه رییس یا عضو علی البدل نسبت به مواردی از رییس کل دادگاهها یا رییس دادگستری حوزه متبوعه درخواست مشاور کند، رییس مکلف به اعزام مشاور است. در این صورت قبل از اتخاذ تصمیم دادگاه، مشاور مکلف است پرونده را دقیقاً مطالعه و بررسی نموده نظر مشروح و مستدل خود را در اسرع وقت و کتبا اعلام نماید. تخلف مشاور از این امر موجب محکومیت انتظامی تا درجه ۳ خواهد بود.

**تبصره ۱ -** چنانچه پس از خاتمه رسیدگی، مشاور حداکثر ظرف مدت ۵ روز نظر مشورتی خود را به دادگاه تسلیم نکند، قاضی دادگاه رأساً اتخاذ تصمیم می نماید.

**تبصره ۲ -** چنانچه قاضی دادگاه به تشخیص شورای عالی قضایی مجتهد جامع الشرایط باشد پس از خاتمه رسیدگی بدون این که منتظر نظر مشورتی بماند می تواند اتخاذ تصمیم نماید.

**ماده ۵ -** دادگاه کیفری ۱ در مراکز استانها و شهرهایی که شورای عالی قضایی تاسیس آن را لازم بداند تشکیل می شود و حسب مورد می تواند دارای شعب متعدد باشد، تخصیص هر شعبه به هریک از انواع خاص جرایم با شورای عالی قضایی است.

**تبصره -** هرگاه در محلی دادگاه کیفری ۱ تشکیل نشده باشد، رسیدگی به جرایم آن محل که در صلاحیت دادگاه کیفری ۱ است، با نزدیکترین دادگاه کیفری ۱ حوزه قضایی همان استان خواهد بود.

**ماده ۶ -** دادگاه کیفری ۲ در شهرهایی که شورای عالی قضایی لازم بداند تشکیل می شود و حسب مورد می تواند دارای شعب متعدد باشد. تخصیص هر شعبه به هریک از انواع جرایم با شورای عالی قضایی است.

**ماده ۷ -** دادگاههای کیفری ۱ با رعایت ماده ۱ این قانون به جرایم زیر رسیدگی می نمایند:

الف - جرمی که کیفر آن اعدام، رجم، صلب و نفی بلد به عنوان حد باشد.

ب - جرمی که کیفر آن قطع یا نقص عضو باشد.

ج - جرمی که کیفر آن به حسب قانون ۱۰ سال زندان و بالاتر باشد.

د - جرمی که کیفر آن به حسب قانون بیش از دویست هزار تومان جزای نقدی باشد.

ه - جرمی که کیفر آن نصف دیه کامل هر یک از موارد شش گانه و یا بالاتر باشد اعم از عمد یا شبیه عمد و یا خطای محض.

**تبصره ۱ -** هرگاه جرمی که ادعا شده احتمال ترتب یکی از کیفرهای مذکور بر آن باشد و پس از ختم دادرسی معلوم شود که کیفر آن کمتر از امور مذکوره است، دادگاه کیفری ۱ مبادرت به انشای حکم خواهد کرد.

**تبصره ۲ -** هرگاه در محلی دادگاه کیفری ۲ تشکیل نشده و یا تشکیل شده ولی پرونده هایش متراکم است و یا دادگاه فاقد قاضی باشد و نیز در صورتی که قاضی دادگاه کیفری ۲ مطابق قانون صلاحیت رسیدگی به پرونده ای را ندارد، دادگاه کیفری ۱ می تواند بر حسب ارجاع رییس کل به پرونده هایی که در صلاحیت کیفری ۲ است نیز رسیدگی نماید.

**ماده ۸ -** رسیدگی به جرم هایی که مجازاتش غیر کیفرهای مذکور در ماده قبل و تبصره های آن باشد، به عهده دادگاه کیفری ۲ می باشد.

**ماده ۹ -** در نقاطی که تشکیل دو شعبه دادگاه حقوقی و کیفری میسر نباشد یک شعبه دادگاه حقوقی ۱ یا کیفری ۱ به کلیه دعای حقوقی و جرایم رسیدگی خواهد کرد. هرگاه دادگاه واحد از نوع دادگاه حقوقی ۲ یا کیفری ۲ باشد به دعای حقوقی و جرایم در حد صلاحیت دادگاه حقوقی و کیفری ۲ رسیدگی خواهد نمود.

**تبصره -** در این موارد هرگاه دادسرا در محل تشکیل نشده باشد وظایف دادسرا به عهده رییس دادگاه یا عضو علی البدل می باشد.

**ماده ۱۰ -** در جاهایی که دادگستری تشکیل نشده است یک دادگاه حقوقی ۲ می‌تواند تشکیل و به دعاوی و شکایاتی که در صلاحیت حقوقی ۲ و کیفری ۲ می‌باشد رسیدگی نماید و چنانچه یک دادگاه کافی نباشد دو دادگاه یکی حقوقی ۲ و یکی کیفری ۲ تشکیل و طبق صلاحیتهای خود عمل می‌کنند.

**ماده ۱۱ -** هرگاه کسی مرتکب جرمی شود در دادگاهی رسیدگی می‌شود که جرم در حوزه آن وقوع یافته است و اگر شخصی مرتکب چندین جرم در جاهای مختلف بشود، در دادگاهی به آن جرایم رسیدگی می‌شود که مهمترین جرم در حوزه آن واقع شده است و هرگاه جرایم ارتكابی از یک درجه باشد، دادگاهی که متهم در حوزه آن دستگیر شده به آن رسیدگی می‌نماید. در این صورت دادسرای هر محل تحقیقات لازمه را موافق تکالیف خود به عمل آورده به دادستان دادگاهی که باید رسیدگی نماید نتیجه تحقیقات را ارسال می‌دارد.

**تبصره -** در مواردی که قانون ترتیب دیگری را پیش‌بینی کرده است مشمول این ماده نمی‌شود.

**ماده ۱۲ -** هرگاه کسی متهم به ارتكاب چندین جرم از انواع مختلف باشد با رعایت صلاحیت ذاتی در دادگاهی محاکمه می‌شود که صلاحیت رسیدگی به مهمترین جرم را دارد.

**تبصره -** به اتهامات متعدد متهم باید توأماً و یکجا رسیدگی شود لیکن اگر رسیدگی به تمام آنها موجب تعویق باشد دادگاه می‌تواند نسبت به اتهاماتی که تحقیقات آنها کامل باشد حکم یا قرار مقتضی صادر کند.

**ماده ۱۳ -** در کلیه جرایمی که متهمین متعدد باشند و یا معاون و شریک داشته باشند و در صورتی که به یک یا چند نفر از آنها دسترسی نباشد و تفکیک ممکن باشد دادگاه باید رسیدگی را تفکیک و تکلیف متهمین حاضر را معین نماید و پرونده نسبت به غایبین مفتوح خواهد ماند.

**ماده ۱۴ -** شرکا و معاونین جرم در دادگاهی محاکمه می‌شوند که صلاحیت رسیدگی به اتهام مجرم اصلی را دارد.

**ماده ۱۵ -** هرگاه یکی از اتباع ایران در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرمی شده و در ایران دستگیر شود در دادگاهی محاکمه می‌شود که در حوزه آن دستگیر شده است.

**ماده ۱۶ -** در مواردی که دادگاه به ضرر و زیان ناشی از جرم رسیدگی می‌کند نصاب خاصی برای زیان وارده نمی‌باشد و حکم صادره مشمول مقررات حاکم بر همان دادگاه است.

**تبصره -** در صورتی که دعوی جزایی در دادگاه کیفری منتهی به صدور حکم برائت متهم یا قرار موقوفی تعقیب شود دادگاه مزبور مکلف است به دعوی حقوقی در صورتی که در دادگاه کیفری مطرح شده باشد رسیدگی کرده و رأی صادر نماید.

**ماده ۱۷ -** حل اختلاف در صلاحیت بین دادگاههای کیفری طبق قواعد دادگاههای حقوقی است.

**تبصره ۱ -** مرجع حل اختلاف بین دادگاههای انقلاب و نظامی و نیز بین هر یک از دادگاههای مزبور با دیگر دادگاههای دادگستری دیوان عالی کشور است.

**تبصره ۲ -** حل اختلاف بین دادسراها تابع قواعد حل اختلاف دادگاههای همان دادسراهاست.

**ماده ۱۸** - در شهرهایی که شعب متعدد کیفری و حقوقی و مدنی خاص تشکیل شده باشد رییس شعبه اول ریاست کل دادگاههای حقوقی و کیفری و مدنی خاص را دارا بوده و پرونده‌های واصله رابه شعب مربوطه ارجاع می‌کند.

**تبصره** - روسای دادگستریها به تعداد مورد نیاز با تصویب شورای عالی قضایی از بین قضات می‌توانند معاون داشته باشند.

**ماده ۱۹** - رییس کل دادگاههای هر شهرستان به عنوان رییس دادگستری آن شهرستان بر کلیه دادگاههای حقوقی و کیفری و مدنی خاص و دادرسی عمومی محل نظارت و ریاست اداری دارد. همچنین رییس دادگستری شهرستان مرکز استان ریاست اداری و نظارت بر امور دادگستری های شهرستان حوزه آن استان را خواهد داشت.

**تبصره ۱** - روسای دادگستری مکلفند در امور اداری دادرسیها موافقت دادستان محل را جلب نمایند.

**تبصره ۲** - تصدی امور اداری در غیاب رییس دادگستری، با دادستان همان شهرستان است.

**ماده ۲۰** - شورای عالی قضایی می‌تواند به منظور جلوگیری از تراکم پرونده‌ها و جهت تسریع در رسیدگی و جلوگیری از تعویق پرونده‌ها قضات دادگاه حقوقی اعم از ۱ یا ۲ یا مدنی خاص را با حفظ سمت، مامور رسیدگی به پرونده‌های کیفری، انقلاب و یا قضات دادگاههای کیفری را حسب ضرورت فوق با حفظ سمت مامور رسیدگی به پرونده‌های حقوقی نماید.

**ماده ۲۱** - به شورای عالی قضایی اجازه داده می‌شود افراد واجد شرایط قضا را با صدور ابلاغ قضایی برای مدت معین به هر نقطه‌ای از کشور ماموریت بدهند و میزان صلاحیت رسیدگی آنان را در ابلاغ تعیین نمایند. قضات مذکور نسبت به تصمیمات متخذ در قبال دادگاه انتظامی قضات مسئول می‌باشند و در صورتی که قاضی محل مشغول رسیدگی به پرونده‌ای شده باشد با رضایت وی قاضی مامور مجاز رسیدگی به پرونده مربوط خواهد بود.

### مبحث دوم - در شروع رسیدگی

**ماده ۲۲** - دادگاههای کیفری در موارد زیر شروع به رسیدگی می‌نمایند:

- ۱ - اقامه دعوی و شکایت شاکی یا مدعی خصوصی به واسطه وقوع جرم یا ضرر و زیانی که از جرم به آنان وارد آمده است.
- ۲ - در مورد جرایم مشهودی که جنبه عمومی دارد و یا جرایمی که زمینه را به تشخیص قاضی برای جرایم عمومی فراهم می‌آورد.
- ۳ - اعلام و اخبار ضابطین دادگستری یا اشخاصی که از قولشان اطمینان حاصل شود (در جرایمی که دارای جنبه عمومی است).
- ۴ - تقاضانامه و یا کیفرخواست دادسرا.
- ۵ - حکم دادگاه کیفری ۲ در تعقیب امر جزایی در مقام حل اختلاف عقیده بین بازپرس و دادستان.

۶ - سایر مواردی که در قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی پیش‌بینی شده باشد.

**ماده ۲۳** - مدعیان خصوصی می‌توانند شخصا یا توسط وکیل شکایت نمایند.

**ماده ۲۴** - در مواردی که شکات و مدعیان خصوصی شخصا یا توسط وکیل مستقیما به دادگاههای کیفری شکایت و اقامه دعوی می‌نمایند باید در عرضحال خود موارد زیر را مشروحا قید کنند:

۱- نام و نام خانوادگی و نام پدر و نشانی دقیق خود.

۲- موضوع شکایت و ذکر این که در چه تاریخی و در کجا واقع شده است.

۳- ضرر و زبانی که به مدعی وارد شده و مورد مطالبه است.

۴- ذکر مشخصات و نشانی مشتکی عنه یا مظنون.

۵- ذکر اسامی و مشخصات و نشانی مطلعین و سایر ادله.

**تبصره -** چنانچه عرضحال ناقص یا شفاهی باشد مراتب در صورت جلسه تنظیمی وسیله دفتر دادگاه منعکس و به امضا یا اثر انگشت شاکی می‌رسد و اگر نتواند امضا کند یا انگشت بزند مراتب قید می‌شود.

**ماده ۲۵ -** هرگاه طرف مدعی، غیرمعین بوده یا دلایل اقامه دعوی کافی نباشد و موضوع مهم و صرف نظر از شکایت مدعی خصوصی قابل تعقیب و رسیدگی باشد، دادگاه کیفری تحقیقات لازم را از ضابطین دادگستری می‌خواهد.

**ماده ۲۶ -** ضابطین دادگستری هرگاه جرایمی را کشف نمایند که راجع به دادگاههای کیفری است و صرف نظر از وجود یا فقد مدعی یا شاکی قابل تعقیب باشد به محاکم کیفری با ذکر موارد زیر اطلاع می‌دهند:

۱- محل و تاریخ وقوع جرم.

۲- مشخصات مظنون.

۳- دلایل جرم.

۴- شاکی دارد یا خیر.

۵- مشخصات شهود.

۶- نشانی کامل طرفین پرونده و مطلعین.

**تبصره -** در موارد زیر ضابطین دادگستری ضمن اعلام جرم می‌توانند متهم را به دادگاههای کیفری معرفی نمایند:

۱- هرگاه مرتکب در حین ارتکاب جرم دستگیر شده و محل اقامت او معین نیست و نمی‌توان اطمینان به اظهار او در باب اسم و محل اقامت او حاصل نمود.

۲- در صورتی که عمل مرتکب مستلزم مجازات حبس یا قصاص یا دیه یا حد است و احتمال می‌رود که آثار عمل ارتکاب خود را معدوم نماید یا فرار کند.

**ماده ۲۷ -** قاضی دادگاه کیفری در کلیه جرایم نظر به اوضاع و احوال قضیه و موضوع می‌تواند تعقیب و محاکمه متهم را بلافاصله و مستقیماً در دادگاه آغاز نماید. چنانچه محاکمه نیاز به تحقیقات مقدماتی داشته باشد می‌تواند تحقیقات را رأساً انجام دهد یا انجام آن را از دادسرا یا ضابطین دادگستری بخواهد و در آن نظارت نماید. در این صورت پس از انجام تحقیقات و اقدامات مورد نظر پرونده به دادگاه ارسال می‌شود.

**تبصره -** در موارد فوق اخذ تامین لازم از متهم به عهده دادگاه خواهد بود.

**ماده ۲۸ -** رییس یا عضو علی‌البدل دادگاههای کیفری اعم از ۱ یا ۲ پس از رسیدگی و محاکمه و مطالعه پرونده و نظریه مشاور (در صورتی که دادگاه دارای مشاور باشد) رأساً مبادرت به انشای حکم می‌نماید. حکم مزبور جز در موارد تجدیدنظر مذکور در این قانون و در قانون تعیین موارد تجدیدنظر احکام دادگاهها و نحوه رسیدگی آنها مصوب ۱۳۶۷/۷/۱۴ قطعی است.

**تبصره ۱ -** نحوه اجرای احکام اعدام، رجم، صلب، قطع یا نقص عضو مطابق آیین‌نامه‌ای است که توسط شورای عالی قضایی تهیه و تصویب خواهد شد.

**تبصره ۲ -** پرونده‌هایی که در تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون منتهی به ابراز نظر و استنباط شده پس از اظهار نظر دیوان عالی کشور دادگاه کیفری یک با لحاظ نظر دیوان عالی کشور به تشخیص خود مبادرت به انشای حکم خواهد نمود.

**ماده ۲۹ -** احکام دادگاههای کیفری باید مستدل و موجه بوده مستند به مواد قانونی و اصولی باشد که براساس آن حکم صادر شده است. دادگاهها مکلفند حکم هر قضیه را در قوانین مدونه بیابند و اگر قانونی نباشد، با استناد به منابع فقهی معتبر یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نمایند و دادگاه‌ها نمی‌توانند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به شکایات و دعاوی و صدور حکم امتناع ورزند.

**تبصره -** در صورتی که قاضی مجتهد جامع‌الشرایط باشد و فتوای فقهی او مخالف قانون مدون باشد پرونده جهت رسیدگی به قاضی دیگر محول می‌شود.

**ماده ۳۰ -** در جرایم و اموری که جنبه حق الهی دارند محاکمه باید با حضور متهم صورت گیرد و در چنین مواردی دادگاه‌های کیفری مجاز به محاکمه و صدور حکم غیابی نسبت به جنبه حق الهی نمی‌باشند ولی جهت حق الناسی آنها در غیاب متهم قابل رسیدگی است.

#### مبحث سوم - در تجدیدنظر

**ماده ۳۱ -** موارد تجدیدنظر نسبت به احکام و قرارهای دادگاههای کیفری و چگونگی رسیدگی به آن و مرجع تجدیدنظر به استثنای مواردی که در این قانون تصریح گردیده به نحوی است که در قانون تعیین موارد تجدیدنظر احکام دادگاهها و نحوه رسیدگی آنها پیش‌بینی شده است.

**ماده ۳۲ -** در مواردی که دادگاه کیفری ۱ به پرونده‌هایی که در صلاحیت دادگاه کیفری ۲ است رسیدگی می‌نماید، رسیدگی تجدیدنظر نسبت به حکم یا قرار صادره به عهده شعبه دیگر دادگاه کیفری ۱ همان حوزه قضایی می‌باشد و در صورت وحدت شعبه، رسیدگی مزبور با نزدیکترین دادگاه کیفری ۱ خواهد بود.

**ماده ۳۳ -** هرگاه در تطبیق عمل ارتكابی با مواد قانونی و احتساب مدت مجازات و محاسبه جریمه و جزای نقدی و ضرر و زیان مدعی خصوصی و یا ذکر اسم و مشخصات متهم و مدعی خصوصی و مانند آن از طرف دادگاه صادرکننده حکم اشتباهی رخ داده باشد دادگاه صادرکننده حکم حق اصلاح اشتباه موارد فوق را دارد و هرگاه پرونده در مرجع تجدیدنظر مطرح شده باشد مرجع مزبور بدون این که اساس حکم را نقض نماید، اشتباه را رفع نموده و حکم را تصحیح می‌نماید.

ماده ۳۴ - شاکی یا مدعی خصوصی نسبت به حکم براءت متهم در صورت وجود جهات تجدید نظر مذکور در قانون تعیین موارد تجدیدنظر احکام دادگاهها و نحوه رسیدگی آنها مصوب ۱۳۶۷/۷/۱۴ حق تجدیدنظر دارد.

ماده ۳۵ - طبق ماده ۱۸ قانون تجدیدنظر آرای دادگاهها مصوب ۱۷ مرداد ۱۳۷۲ لغو شده است.

#### فصل دوم - دیوان عالی کشور

ماده ۳۶ - دیوان عالی کشور در تهران تشکیل می شود اگر شورای عالی قضایی مصلحت بداند می تواند در شهرستانهای دیگر نیز شعبی تشکیل دهد.

ماده ۳۷ - شعب دیوان عالی کشور به حسب مقدار نیاز متعدد خواهد بود و ریاست دیوان عالی کشور به عهده رییس شعبه اول است و پروندهها به دستور او به شعب دیگر ارجاع می شود و می تواند اختیارات خود را در خصوص ارجاع پروندهها و ریاست جلسات هیات عمومی به رییس یکی از شعب دیگر و یا معاون قضایی خود محول نماید.

**تبصره -** معاون قضایی باید واجد شرایط مذکور در ماده ۳۹ باشد.

ماده ۳۸ - هر یک از شعب دیوان عالی کشور از دو نفر قاضی واجد شرایط که یکی از آنها رییس و دیگری مستشار است تشکیل می شود.

**تبصره -** دیوان عالی کشور به تعداد لازم برای شعب عضو معاون خواهد داشت و عضو معاون می تواند وظایف هر یک از دو عضو شعب را عهده دار گردد. تعداد معاونین که نباید بیشتر از تعداد شعب باشد طبق نظر شورای عالی قضایی تعیین می شود.

ماده ۳۹ - رییس، مستشار و عضو معاون باید یا مجتهد باشند و یا ۱۰ سال تمام در درس خارج شرکت نموده باشند و یا دارای ۱۰ سال سابقه کار قضایی و یا وکالت بوده و آشنایی کامل به قوانین مدون اسلامی داشته باشند.

**تبصره -** تشخیص دارا بودن شرایط فوق به عهده شورای عالی قضایی است.

ماده ۴۰ - هر یک از اعضای شعب دیوان عالی کشور موظف است پرونده ارجاعی را با حفظ نوبت و کمال دقت مطالعه و بررسی نموده پس از مشاوره کافی به طور مستدل اظهار نظر نماید.

**تبصره -** پروندهها کلاً به نوبت رسیدگی می شود مگر در موارد فوری که به تشخیص رییس، رسیدگی خارج از نوبت به عمل خواهد آمد.

ماده ۴۱ - در صورت اختلاف نظر بین دو عضو شعبه، عضو معاون و یا یکی از قضات شعب دیگر به آنان ضمیمه و نظر اکثریت ملاک خواهد بود.

ماده ۴۲ - متداعیین یا وکلای آنان برای رسیدگی احضار نمی شوند مگر آن که شعبه دیوان عالی کشور حضور آنان را برای ادای توضیحات لازم بداند که در این صورت کسانی که حضورشان لازم است احضار می گردند و پس از استماع توضیحات آنها و اظهار عقیده دادستان کل کشور یا نماینده او شعبه مبادرت به صدور رای می نماید ولی عدم حضور احضار شدگان بدون عذر موجه صدور رای را به تاخیر نمی اندازد.

**تبصره -** دادستان کل کشور یا نماینده او ضمن اظهار عقیده راجع به رای دادگاه می‌تواند به یک یا چند جهت پیش‌بینی شده برای تجدیدنظر نسبت به مواردی که دارای جنبه عمومی است یا مورد اعتراض ذی‌حق قرار گرفته تقاضای تجدیدنظر نماید.

**ماده ۴۳ -** کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون لغو می‌گردد.